

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

حسین مسعودنیا^۱، علی ابراهیمی^۲، مجتبی رضازاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

چکیده

بی‌تردید موقعیت ژئوپلیتیک دو کشور ایران و عراق در باب مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... در بستر تاریخ در هم تنیده شده است؛ به گونه‌ای که امتزاج میان این حوزه‌ها را می‌توان در عصر وابستگی متقابل مشاهده کرد. یکی از مناطقی که از تأثیرگذاری و اهمیت والایی در عراق جدید برخوردار است، منطقه خودمختار کردستان محسوب می‌شود که در پرتو واقعیت‌های ژئوپلیتیک، بررسی فرصت‌ها و چالش‌هایی که پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است را ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر ضمن تمهید پشتوانه نظری مبتنی بر وابستگی متقابل، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که منطقه کردستان عراق از چه ظرفیت‌ها و امکاناتی در جهت تأثیرگذاری بر جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟ فرضیه مقاله عنوان می‌نماید که روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق می‌تواند در حوزه‌های موضوعی فرهنگ، تروریسم و امنیت منطقه‌ای، فعالیت اقتصادی و مسأله انرژی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ج.ا.ایران زمینه‌سازی نماید. پژوهش حاضر در این مقاله به روش کیفی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی است. نتایج تحقیق مؤید این واقعیت است که درک صحیح جمهوری اسلامی ایران نسبت به جایگاه اقلیم کردستان عراق می‌تواند در جهت تهدیدزدایی امنیتی و تأمین منافع ملی مؤثر واقع شود.

واژه‌های کلیدی: کردستان عراق، جمهوری اسلامی ایران، وابستگی متقابل، فرصت‌ها، چالش‌ها

۱. (نویسنده مسؤول) استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (hmass2005@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (a_brahimia@yahoo.com)

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (mjt.rezazadeh@yahoo.com)

۱. مقدمه

خاورمیانه منطقه‌ی استراتژیکی است که حجم بالایی از منازعات را به خود دیده است. اختلافات قومی - مذهبی و تاریخی، در کنار درگیری‌های مرزی و سوء تفاهمات سیاسی از جمله عوامل واگرایی در این منطقه محسوب شده که به صورت چالش‌هایی برای کشورهای این حوزه جغرافیایی تعین پیدا می‌کند. از طرف دیگر موقعیت راهبردی این منطقه سبب گردیده تا برخی از کشورهای همجوار، درصدد همکاری و تأمین منافع ملی خویش گام بردارند. اهمیت موضوع تا آنجاست که مجاورت جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همسایگان و همچنین آسیب پذیری‌های متقابل میان آنها، باعث گردیده تا بتوان امنیت و ناامنی را در منطقه خاورمیانه به صورت انکارناپذیری با یکدیگر ارزیابی نمود. به طوری که، کشورهای واقع در یک حوزه‌ی جغرافیایی به حکم مؤلفه‌هایی همچون جغرافیا، تاریخ، اقتصاد و فرهنگ بر همدیگر تاثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. واقعیت چنین وضعیتی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای تصمیم‌سازی هر یک از کشورها در پی خواهد داشت. وضعیتی که می‌تواند موجبات شکل‌گیری مجموعه امنیتی منطقه‌ای را فراهم کند که در آن دولت‌ها به اندازه‌ای به یکدیگر پیوند خورده‌اند که امنیت آنها را نمی‌توان فارغ از یکدیگر مطمع‌نظر قرار داد (Buzan and Wæver, 2003: 48).

از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه که از دیرباز در حوزه‌های مختلف سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به جهت مجاورت سرزمینی وابستگی متقابل داشته و از یکدیگر متأثر می‌شوند، می‌توان به جمهوری اسلامی ایران و عراق اشاره کرد. با توجه به تحولات صورت گرفته در عراق، به‌ویژه پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس و ایجاد منطقه پرواز ممنوع به منظور اداره امور جاری، در کردستان عراق ترتیبات حکومتی شکل گرفت که فرصتی مطلوب برای اقلیم کردستان عراق

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ ... / ۳۳

محسوب می‌شد (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۵۷۹). در این راستا، دو حزب دمکرات و میهنی که در انتخابات اولین دوره پارلمانی در کردستان عراق به پیروزی رسیده بودند، به تقسیم قدرت مبادرت ورزیدند. پس از توافق صورت گرفته میان این دو حزب، حکومت اقلیم در کردستان به دو بخش مجزا در سلیمانیه به رهبری حزب میهنی و دهوک و اربیل به رهبری حزب دمکرات تقسیم شد. به دنبال حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ این دو حزب با یکدیگر متحد شده و به یک حکومت واحد در شمال عراق شکل دادند. قانون اساسی عراق نیز که در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید، حکومت اقلیم کردستان را به رسمیت شناخته و امتیازات زیادی را برای آنها در نظر گرفت. در واقع، شمال عراق به ویژه از سال ۲۰۰۳ به بعد تحولات زیادی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پشت سر گذاشته است؛ به گونه‌ای که در تلاش بوده تا خود را به عنوان کنشگر فعال منطقه‌ای مطرح نماید.

در باب اهمیت سوق‌الجیشی کردستان عراق، می‌توان استدلال کرد که این اقلیم با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز، داشتن بخش‌های بالادست اکثر رودهای جاری در عراق، برخورداری از وضعیت اقلیمی مناسب نسبت به مناطق دیگر کشور، بالا بودن تراکم جمعیت و راههای ارتباطی زمینی و هوایی دارای وزن بالایی در معادلات جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی کردستان عراق با وجود مزیت‌های پیش‌گفته، با چالش‌هایی نیز مواجه است. بزرگترین چالش پایدار کردستان عراق، موقعیت بسته‌ی جغرافیایی است. بسیاری از نیازمندی‌های کردستان عراق در حال حاضر از گذرگاه‌های مرزی ایران و ترکیه تأمین می‌شود. این موضوع چالش‌های نظری را برمی‌انگیزد و بررسی تحولات و مختصات پدیدار شده در اقلیم کردستان عراق را به جهت درک بهتر تأثیرگذاری بر جمهوری اسلامی ایران ضروری می‌نماید.

با توجه به اهمیت موضوع و شرح مختصر بیان شده، سؤالی که پژوهش حاضر قصد پاسخ‌گویی آن را دارد، این است که ناحیه کردستان عراق چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت؟ در پاسخ به این پرسش و عملیاتی کردن فرضیه، پژوهش حاضر در چند بخش سازماندهی شده است. در بخش نخست پس از مقدمه، مبانی نظری وابستگی متقابل در ارتباط با موضوع بیان خواهد شد. در بخش دوم، ساختار داخلی منطقه کردستان عراق به صورت اجمالی توصیف خواهد شد. در بخش سوم، فرصت‌ها و چالش‌هایی که اقلیم کردستان عراق می‌تواند پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد، تبیین و مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در پایان، نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده و پیشنهادهای جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری: وابستگی متقابل

به‌طورکل نظریه وابستگی متقابل دارای زمینه تکثرگرایی است که انواع آن در قالب نظریات متفکرانی همچون ریچارد کوپر^۱ (1972)، ریچارد روزکرانس و دیگران^۲ (۱۹۷۷)، جیمز روزنا^۳ (1980)، جوزف نای و روبرت کوهن^۴ (2001) نمایان شده است. بر این اساس، از خاستگاه‌های این نظریه را می‌بایست در چارچوب فکری تکثرگرایانی جستجو کرد که بر تحول مفهوم قدرت تأکید می‌ورزند (قوام و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۳). با توجه به ماهیت چندبعدی قدرت و با وجود آنکه قدرت نظامی همچنان سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود، اما به دلیل هزینه‌های زیاد و ناکامی‌های کارکردی در بکارگیری از آن در شرایط چهارگانه‌ای مانند: خطرات ناشی از تشدید رقابت هسته‌ای؛ تداوم مقاومت مردم در کشورهای

1. Richard Cooper

2. R. Rosecrance and et al

3. James Rosenau

4. Robert Keohane and Joseph Nye

ضعیف، احتمال تأثیرات منفی بر دستیابی به اهداف اقتصادی و مخالف افکار داخلی یک کشور به دلیل هزینه‌های انسانی (Keohane and Nye, 2012: 727) امروزه شاهد آن هستیم که قدرت اقتصادی و دانش فنی به صورت جایگزین درآمده است. در واقع، هدف اصلی نظریه پردازان وابستگی متقابل، ضمن تبیین کاهش کارآیی قدرت نظامی در روابط بین‌الملل، گسترش همکاری میان دولت‌ها جهت تحقق جهانی باثبات و دارای امنیت است (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

وابستگی متقابل ریشه در اندیشه بین‌الملل‌گراها دارد. آنها این داعیه را پرورش می‌دهند که امور دنیا به طور عینی در جهت جهانی شدن سیر می‌کند. این جریان عینی در روندهای سیاسی به شکل همکاری میان دولت‌ها منعکس می‌گردد و در عین حال در راستای صلح و رفاه بیشتر جهان گام برمی‌دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۷). با این وجود و بر اساس رهیافت مذکور، نمی‌توان به واسطه افزایش وابستگی متقابل دوران طلایی از همکاری و مشارکت را که جایگزین منازعه بین‌المللی شود، ترسیم کرد. به طوری که وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیتی اطلاق می‌شود که میان کشورها و بازیگران متفاوت تأثیرگذاری متقابلی می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین ضمانتی وجود ندارد که وابستگی متقابل میان کشورها، لزوماً به نفع هر دو طرف بیانجامد (قوام و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۴). در این زمینه کوهن و نای بر این باورند که کشورها ممکن است به واسطه عواقب منفی ناشی از وابستگی متقابل، به توقف ارتباط با یکدیگر مبادرت می‌ورزند؛ صرف نظر از هر گونه مزایایی که می‌توانند در نتیجه ارتباط متقابل به ارمغان بیاورند (Baldwin, 1980: 482).

با وجود اهمیت عرصه‌های اقتصادی، نظریه وابستگی متقابل صرفاً به این حوزه محدود نشده و لذا می‌تواند به سایر حوزه‌ها نیز تسری یابد. بدین سان می‌توان استدلال نمود که روابط بین کشورهایی که در مجاورت جغرافیایی و همسایگی یکدیگر قرار دارند، به وابستگی امنیتی میان آنها خواهد انجامید که در این صورت ممکن است به شکل‌گیری

یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱ مبدل گردد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۶). مرکز ثقل نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای این است که تهدیدهای امنیتی به سهولت، مناطق نزدیک را نسبت به فواصل دورتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چه اینکه، «وابستگی امنیتی معمولاً بر مجموعه‌های مستقر در یک منطقه متمرکز دارد که از آن به عنوان مجموعه امنیتی یاد می‌شود» (ایلخانی‌پور و بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۲). یکی از شرایطی که در شکل‌گیری مجموعه امنیتی منطقه‌ای دخیل است، وجود وابستگی متقابل شدید میان گروهی از کشورهاست که اعضای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. در این زمینه بوزان معتقد است که مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان برخی از کشورها، امنیت آنها را به هم پیوند زده و امنیت آنها را از سایرین جدا نموده باشد. به گونه‌ای که شدت وابستگی متقابل امنیتی در میان اعضای مجموعه در مقایسه با واحدهای خارج از مجموعه بیشتر باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۹). منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تأثیر و تأثر اعضای تشکیل دهنده مجموعه می‌باشد به طوری‌که هر گونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه گردد (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۹).

بر مبنای مباحث مطرح‌شده، می‌توان استدلال کرد که میان ایران و اقلیم کردستان عراق، نوعی وابستگی متقابل وجود داشته و یا در حال شکل‌گیری است. طبق آموزه‌های نظری وابستگی متقابل، مجاورت جغرافیایی می‌تواند مبین فایده-هزینه و یا چالش و فرصت‌های متقابلی برای کشورها باشد؛ تحت این شرایط به نظر می‌رسد، از حوزه‌های موضوعی که می‌تواند وابستگی متقابل میان ایران و اقلیم کردستان عراق را زمینه‌سازی کند؛ موضوع فرهنگ، تروریسم و امنیت منطقه‌ای، فعالیت اقتصادی و مسأله انرژی... باشد. بنابراین با عنایت به موقعیت سوق‌الجیشی، منطقه کردستان عراق از این قابلیت برخوردار

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛... / ۳۷

است که چالشهایی را متوجه ایران کند. با این وجود، به نظر می‌رسد زمینه‌های بسیار مناسبی نیز برای آغاز یک دیالوگ سازنده به عنوان فرصت میان ایران و اقلیم کردستان عراق وجود داشته باشد که در ذیل به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۳. ساختار داخلی کردستان عراق

۳-۱. **موقعیت جغرافیایی:** اقلیم کردستان عراق از شرق با ایران، از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم مرز بوده و بر استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و قسمت‌هایی از دو استان نینوا و دیاله تسلط دارد. جمعیت اقلیم کردستان در حدود ۵/۲ میلیون نفر با رشد جمعیتی ۳٪ در سال است (Carnegy et al, 2013: 1) که در کنار اعراب سنی و شیعه، یکی از مهمترین اجزای تشکیل‌دهنده کشور عراق را تشکیل می‌دهد (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2015: 30) پس از فرار نیروهای عراقی از منطقه کرکوک، نیروهای پیشمرگ این منطقه استراتژیک را به تصرف درآورده و خواهان پیوستن قسمت‌های وسیع‌تری از استان‌های دیاله و نینوا (شهرموصل) و استان صلاح‌الدین (شهر صلاح‌الدین) به کردستان هستند. به لحاظ جغرافیایی کردستان عراق در صدد است تا سطح اعمال قدرت خود را بر همه مناطق دارای جمعیت کرد گسترش دهد. در مناطقی که اکثریت جمعیت آنها کرد است، بر اساس قانون اساسی خواهان همه‌پرسی و الحاق هر چه زودتر آنها به کردستان است (Cordesman and Khazai, 2014: 149).

۳-۲. **اقتصاد:** در سال ۲۰۱۱ تولید ناخالص داخلی کردستان عراق ۲۳/۶ میلیارد دلار برآورد شد. در آمد ملی در کردستان عراق بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷، ۲۸۹٪ رشد داشته است؛ این رشد در سال ۲۰۰۸، ۷۷/۶۲٪ به ازای سال ۲۰۰۷ بوده است. در سال ۲۰۱۲ رشد اقتصادی کردستان عراق ۱۲٪ بود. براساس برآوردها این رشد در سال ۲۰۱۳ به حدود ۸٪ رسیده است. در سال ۲۰۱۲ تورم در کردستان عراق ۵/۶ درصد و میزان بیکاری ۶٪ درصد بوده است. در حال حاضر ۱۷ درصد کل بودجه عراق به اقلیم کردستان اختصاص دارد که

۷۰ درصد آن صرف هزینه‌های جاری و ۳۰ آن صرف سرمایه‌گذاری می‌شود (invest in group, 2013).

کردستان عراق در تلاش است تا سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی را تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و گردشگری کند. پس از تصویب قانون سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۶ که معماری جدیدی را در رابطه با جذب سرمایه‌گذاری خارجی بنیان نهاد، کردستان عراق خود را به عنوان محیط مناسب کسب و کار معرفی کرد. تا ژوئن ۲۰۱۳ بیش از ۲۳۰۰ شرکت خارجی و ۱۵۰۰ شرکت محلی در کردستان عراق به ثبت رسیده است. از جمله عوامل موثر در رشد سرمایه‌گذاری‌ها در کردستان عراق می‌توان به امنیت، قدرت قوانین، زیرساخت فرودگاه، زیر ساخت‌های انتقالی و رشد اجتماعی، کیفیت زندگی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری اشاره کرد (Carnegy et al, 2013: 1).

در اوایل سال ۲۰۱۳ کل منابع نفتی عراق ۱۴۱ میلیارد بشکه تخمین زده شد. از این مقدار ۴۵ میلیارد بشکه آن در ناحیه‌ی کردستان عراق قرار دارد (Andreas, 2014: 1). در حال حاضر کردستان عراق از ظرفیت تولید ۴۰۰۰۰۰ هزار بشکه نفت در روز برخوردار است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، این اقلیم در تلاش است تا این مقدار را به دو برابر در سال ۲۰۱۵ افزایش دهد. اکثر گازهای موجود در میدان نفتی عراق به شکل «گاز همراه» است، در حالی که بیشتر گازهای طبیعی «غیر همراه» که از مزیت بیشتری برخوردار است در ناحیه کردستان عراق جای گرفته‌اند. از این رو، در سال‌های اخیر کردستان عراق به عنوان یک منبع بالقوه بسیار مهم نفت و گاز در منطقه مطرح شده است (Mills, 2013: 51). موقعیت بسته‌ی جغرافیایی کردستان عراق موجب شده است تا در زمینه صدور انرژی به کشورهای ایران و ترکیه وابسته باشد. علائق اقتصادی و استراتژیک این اقلیم در زمینه انرژی به سمت انتقال و مبادله با ترکیه بوده است. اقلیم کردستان در تلاش است تا مسیر کسب درآمد و صادرات را به وسیله ترکیه با ضربه زدن به خطوط

انتقال تركيه- عراق مستقل كند. در ماه مى ۲۰۱۲ بدون موافقت دولت بغداد قراردادى ميان تركيه و كردستان عراق منعقد شد تا يك خط لوله گاز و دو خط لوله نفت مستقيماً از كردستان عراق به تركيه كشيده شود. اين خطوط با دورزدن خط لوله بغداد-جيجان (تركيه) براى نخستين بار دسترسى مستقيم كردها به بازارهاى بين‌المللى را فراهم كرده است. موضوعى كه باعث شد تا كردستان عراق يك گام ديگر به آرزوى بلند مدت خود در زمينه كسب استقلال سياسى نزديك‌تر شود (Tol, 2014: 2).

۳-۳. سياست: پس از شكست صدام حسين از نيروهاى ائتلاف در سال ۱۹۹۱ و سقوط دولت عراق پس از حمله آمريكا به اين كشور در سال ۲۰۰۳، كردهاى عراق توانستند حكومت خودمختار در شمال عراق تاسيس كنند (Charountaki, 2012: 185).

در تقسيم‌بندى سه‌گانه قدرت، كردها يك ضلع آن را در کنار شيعه‌ها و سنى‌ها تشكيل مى‌دهند. بر اساس توافق صورت گرفته هر يك از سه پست كليدى رياست‌جمهورى، نخست‌وزيرى و رياست پارلمان به نمايندگان يكي از گروه‌هاى سه‌گانه اختصاص يافته و هريك بايد دو معاون از دو گروه ديگر داشته باشند (پيشگاهى فرد و نصرالهي زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۹۱). با وجود اختيارات پيش‌بيني شده در قانون اساسى، مهمترين هدف سياسى كه از سوي كردهاى عراق و به‌ويژه حزب دمكرات كردستان (چرا كه در ميان حزب ميهنى نوعى تشتم آرا نسبت به ايجاد دولت مستقل كردستان وجود دارد) دنبال مى‌شود، تشكيل دولت مستقل كردستان است.

آنچه مسلم است مهمترين قدرت در ساختار سياسى شمال عراق، احزاب و رهبران سياسى هستند. از سال ۲۰۰۳ تا كنون، دو حزب دمكرات و ميهنى، از اثرگذاري بيشترى در فرايند تصميم‌گيرى و تصميم‌سازى در شمال عراق برخوردارند. به بيان ديگر، رهبران سياسى، پارلمان را سازمان اصلى دولت در شمال عراق نمى‌دانند. از اين‌رو، قدرت اصلى در كردستان عراق به احزاب تعلق دارد (Erkmen, 2012: 86). در واقع، حكومت در

کردستان عراق برای مدت زمان طولانی توسط دو حزب اتحاد میهنی به رهبری جلال طالبانی و حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی اداره می‌شد. این امر منجر به ایجاد درگیری‌های متناوب میان آن دو حزب در طول دهه ۱۹۹۰ گردید. در سال ۲۰۰۴ این دو حزب ائتلافی تحت عنوان اتحاد میهنی - دمکراتیک کردستان ایجاد کرده و به صورت متحد در انتخابات شرکت نمودند. طالبانی و بارزانی در سال ۲۰۰۷ نیز با چگونگی تقسیم قدرت میان خود موافقت کردند (Cordesman and Khazai, 2014: 162- 163). تا آنجا که، انحصار قدرت به تحکیم جایگاه دو حزب میهنی و حزب دمکرات در فرایندهای سیاسی منجر شد.

۴. فرصت‌ها و چالش‌های اقلیم کردستان عراق بر جمهوری اسلامی ایران

عموماً استدلال می‌شود که از نظر ژئوپلیتیکی، سیستم بین‌الملل بر اساس مرزبندیهای جغرافیایی تعیین پیدا می‌کند و هر یک از کشورها بر اساس جایگاه خود در ساختار قدرت جهانی و مناطق آن، از نقش‌آفرینی برخوردار خواهند بود. جمهوری اسلامی ایران نیز الزاماً در منطقه ژئوپلیتیکی خاصی جای گرفته است و با توجه به اقتضانات محیطی، رفتارهای آن نیز شکل می‌گیرد (Sariolghalam, 2003: 69-82). از سوی دیگر، ایران در راستای قدرت و منافع ترسیمی، اقدام به تدوین سیاست خارجی خواهد کرد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که در تبلور و شکل‌گیری سیاست خارجی ج.ا. ایران، عوامل دو گانه‌ای مؤثر می‌باشند. اول: عوامل جغرافیایی که به مثابه یک داده، بر کشور و سیاست خارجی تحمیل می‌گردد. دوم: تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها که می‌تواند در جهت تأمین منافع ملی سازنده باشند.

بر اساس نظریه وابستگی متقابل، ماهیت ترتیبات امنیتی خلیج فارس نیز معلول الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه محسوب می‌شود. چه اینکه میزان تعاملات در سطح منطقه آنچنان وسیع است که هر بحرانی در یک کشور می‌تواند به

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛... / ۴۱

سرعت در منطقه تاثیرگذار شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۳۳). محیط بین‌المللی نیز بر دولت‌های ملی و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی تأثیرگذار است که این موضوع ناظر بر محدودیت و مقیدسازی حیطه انتخاب کشورها و سیاستگذاران است. به عبارت دیگر، هر دولتی در درون بافت و زمینه‌ای قرار گرفته است که در آن تعداد کثیری از کشورها و بازیگران بین‌المللی نیز حضور دارند (راست و استار، ۱۳۸۱: ۱۰۴). واقعیتی که محدودیت‌ها و نیز فرصت‌هایی را برای انتخاب و تصمیم هر یک از بازیگران به وجود می‌آورد. از این رو، خلیج فارس را می‌توان به مثابه یک مجموعه امنیتی تلقی کرد. به این دلیل که فرآیندهای عمده تأمین امنیت و بروز ناامنی در میان کشورهای آن، به اندازه‌ای به هم پیوستگی دارند که مشکلات امنیتی هر کدام از آنها را بدون لحاظ کردن دیگری نمی‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۳۳).

با توجه به مطالب فوق، ژئوپلیک عراق جدید و وجود اقلیم کردستان عراق به دلیل همجواری جغرافیایی، از ظرفیت‌ها و امکاناتی برخوردار است که می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل قرار دهد که در ذیل به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

۱-۴. **چالش‌ها:** هر چند راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از آغاز دهه ۱۹۹۰ تا کنون حفظ تمامیت ارضی بوده است، اما غفلت از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین تحولات صورت گرفته در اقلیم موجب می‌شود تا چالش‌هایی از جانب کردستان عراق جمهوری اسلامی ایران را تهدید کند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به متغیرهای ذیل اشاره کرد:

۱-۴. متغیر اقتصادی

واگذاری بازار کردستان عراق به ترکیه: در سال‌های گذشته شرکت‌های ترکیه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در کردستان انجام دادند (Zulal, 2012:146). به گفته حیاتی یازبجی وزیر بازرگانی و گمرکات ترکیه «نزدیک به نیمی از ۲۲۴۱ شرکت خارجی فعال در

منطقه اقلیم کردستان در شمال عراق را شرکت‌های ترکیه‌ای تشکیل می‌دهند». به گفته وی «در اکتبر سال ۲۰۱۲ میلادی در مناطق اربیل، سلیمانیه، دهوک و زاخو، اقلیم کردستان عراق تعداد شرکت‌های خارجی ثبت شده ۲۲۴۱ شرکت بود که ۴۸/۴۲ درصد آنها با اعتبار مالی سرمایه‌گذاران ترک به ثبت رسیده است» (اتاق مشترک بازرگانی و صنایع و معادن ایران و عراق، ۱۳۹۱). در این راستا، آمارها نیز نشان از افزوده شدن حجم مبادلات ترکیه و اقلیم حکایت دارد، به گونه‌ای که حجم تبادلات تجاری میان کردستان و ترکیه در سال ۲۰۱۱ به ۱۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۳ به ۱۳ میلیارد دلار رسیده است (Mills, 2013:58-59). این در حالی است که از ۳۰۰۰ شرکت خارجی ثبت شده در اقلیم کردستان عراق، سهم ایران از این تعداد ۴۰۰ شرکت است که به عبارتی ۱۲ درصد از سهم شرکت‌های خارجی در این منطقه را تشکیل می‌دهد (اتاق مشترک بازرگانی و صنایع و معادن ایران و عراق، ۱۳۹۴). بدین‌سان، حضور فعال ایران در عرصه اقتصادی کردستان عراق ضمن کاهش نفوذ ترکیه در این اقلیم، بازار مناسبی را در اختیار سرمایه‌گذاران ایرانی قرار خواهد داد.

۵-۱-۲. متغیر سیاسی

تهدیدات نرم سیاسی کردستان عراق: طی چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حکومت با بنیان‌های ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به مثابه مهمترین فلسفه وجودی تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق را تشکیل می‌دهد، زمینه‌ای برای ایجاد تهدیدات نرم سیاسی با استفاده از تمایلات قوم‌گرایانه در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون شده است. در این زمینه، از جمله عوامل مرتبط با این موضوع، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان عراق و به‌ویژه تشکیل حکومت فدرال باشد. به طوری که موفقیت کردها در ایجاد حکومت خودگردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین‌الملل در مسئله کردها و حمایت آمریکا، اروپا و نظام بین‌المللی از آنان، باعث گردیده

تا فدرالیسم از سوی برخی اکراد به ویژه در ایران طرح شود که نمود خود را با تأکید ورزیدن برخی گروهها و احزاب در ایجاد چنین نظام حکومت داری و عدم مشارکت فعال در انتخابات سراسری کشور نشان داده است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۰۴). به نظر می‌رسد از جمله عوامل تسهیل‌کننده تهدیدات نرم سیاسی، حمایت از گروههای کرد ایرانی در داخل سرزمین کردستان عراق باشد. چه اینکه، مناطق اقلیم کردستان عراق همواره مکانی برای پناه دادن به گروههای کرد نواحی داخلی ایران بوده است. در این زمینه به دلیل نزدیکی حزب دمکرات کردستان ایران به حزب دمکرات عراق، مناطق تحت نفوذ آنها در دهوک و اربیل پناهگاهی برای این حزب بوده است. در طرف مقابل نیز حزب میهنی، حزب کومله را در مناطق تحت نفوذ خود مورد حمایت قرار داده است. از نظر جمهوری اسلامی ایران کردستان عراق همواره در برابر سوءاستفاده‌های گروه پژاک از زمین‌های عراق و شیطنتهای آنها در مرزهای غربی ایران سکوت اختیار کرده است. هر چه قدر، وابستگی کردها به ایران کمتر باشد، زمینه برای حمایت آنها از گروههای کردی ایرانی بیشتر فراهم می‌شود (Hevian, 2013).

تلاش کردستان عراق به منظور دستیابی به استقلال

سهم قابل توجهی از قدرت دولت مرکزی عراق به کردها اختصاص پیدا کرده است. در تقسیم بندی سه‌گانه قدرت، کردها یک ضلع آن را در کنار شیعه‌ها و سنی‌ها تشکیل می‌دهند. بر اساس توافق صورت گرفته هر یک از سه پست کلیدی ریاست‌جمهوری، نخست‌وزیری و ریاست پارلمان به نمایندگان یکی از گروه‌های سه‌گانه اختصاص یافته و هریک باید دو معاون از دو گروه دیگر داشته باشند (پیشگاهی فرد و نصرالهی زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۱-۹۲). با وجود اختیارات پیش‌بینی شده در قانون اساسی، مهمترین هدف سیاسی که از سوی کردهای عراق و به‌ویژه حزب دمکرات کردستان (چرا که در میان حزب میهنی نوعی

تشتت آرا نسبت به ایجاد دولت مستقل کردستان وجود دارد) دنبال می‌شود تشکیل دولت مستقل کردستان است.

با آغاز پیشروی گسترده و سریع نیروهای گروه دولت اسلامی که در آن زمان خود را داعش (دولت اسلامی عراق و شام) می‌خواندند، دولت اقلیم کردستان عراق برخوردی محتاطانه در پیش گرفت و به ویژه به نظر می‌رسید با در اختیار گرفتن کرکوک به برنده بزرگ جنگ نیروهای داعش علیه دولت مرکزی عراق به رهبری نوری المالکی بدل خواهد شد. در آن زمان، رهبران کردستان عراق، با انتقاد از آنچه که آن را سیاست‌های فرقه‌ای نوری‌المالکی می‌خواندند، نه تنها داعش را مشکل نوری‌المالکی می‌دانستند، بلکه حتی به صراحت از ضرورت استقلال کامل کردستان عراق سخن می‌گفتند (Cîrlig, 2015:1). هرچند دولت اقلیم فرصتی برای فروش مستقل نفت مناطق تحت کنترل خود پیدا نکرد و عملیات غافل‌گیرکننده نیروهای گروه دولت اسلامی و پیشروی سریع آنان به سوی اربیل، معادلات پیشین را یکباره به هم ریخت؛ با این آرمان دست‌یابی به استقلال سیاسی همواره از سوی رهبران اقلیم دنبال می‌شود. با توجه به رویکرد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حفظ تمامیت ارضی کشور، وجود جمعیت کرد در مرزهای غربی کشور و تاثیر پذیری آنها از روند تحولات کشور عراق، موضوع استقلال کردهای عراق یک چالش محسوب می‌شود.

۳-۱-۵. متغیر جغرافیایی

استفاد از کارت کردهای نواحی داخلی برای امتیازگیری از دولت ایران

ایران و عراق دارای طولانی‌ترین مرز بین‌المللی مشترک هستند. دو کشور ایران و عراق در مسافتی حدود ۱۴۵۸ کیلومتر دارای مرز مشترک می‌باشند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن مرز مشترک آبی (اروند رود) می‌باشد و مابقی زمینی است. به ترتیب استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در این خط ممتد و طولانی با عراق هم مرز

هستند. ايران در نواحى همجوار با كردستان، كرمانشاه و ايلام داراى خلاء ژئوپلتيك است (هر كدام حدود ۳۰۰ كيلومتر) كه اين مناطق نيز همرز با كردستان عراق هستند (برزگر ۱۳۸۵: ۱۱۶). اين امر از لحاظ جغرافيايى نوعى آسيب پذيرى براى جمهورى اسلامى ايران محسوب مى شود. پس از سرنگونى صدام، كردها داراى جاىگاه مطمئن ترى در عراق شده و حكومت منطقه اى آنها به رسميت شناخته شد. دستاوردهاى آنها در قانون اساسى عراق و حضور آنها در رده بالايى مقامات دولت مركزى خيالشان را براى تداوم بقا راحت تر كرده است. در اين مقطع زمانى، رهبران كرد همانند دهه ۱۹۹۰ به كشورهاي منطقه امتياز نمى دهند و تلاش مى كنند از موضوع كردها به عنوان ابزاري براى گرفتن امتياز عليه دولت هاي منطقه اى به ويژه ايران و تركيه استفاده كنند.

۵-۱-۴. متغير بين المللى

حضور كنشگران منطقه اى و فرامنطقه اى در اقليم كردستان

ساختار فدرالى موجود در عراق بيان گر نوع متفاوت و متمايزى از روابط دولت مركزى و ايالت يا اقليم است كه در ساير نقاط جهان مشاهده نمى شود. به خصوص اينكه اقليم كردستان داراى سطح گسترده اى از اختيارات و امتيازات در عرصه هاي مختلف سياسى، اقتصادى و امنيتى است كه در ساير الگوهاي فدرالى عمدتاً در اختيار دولت مركزى است (حافظ نيا و ديگران، ۱۳۸۹: ۲۰۶-۲۰۷). كردستان عراق در تلاش است تا ميان عرصه هاي سياسى و اقتصادى توازن ايجاد كند؛ از اين رو، برقرارى روابط با كنشگران منطقه اى و حتى فرامنطقه اى يكي از اولويت هاي اربيل است كه در اين راستا، تركيه يكي از دولت هاي مورد توجه اقليم محسوب مى شود (Zulal, 2012: 148). اهميت اين روابط تا آنجاست كه در سال ۲۰۱۱ رجب طيب اردوغان به عنوان نخستين نخست وزير تركيه به كردستان عراق سفر كرد. در مقابل مقامات كرد نيز به صورت مداوم به تركيه سفر مى كردند. در اين زمينه سفر مسعود بارزاني، رئيس اقليم كردستان، به ديار بكر براى شركت در گردهمايي حزب عدالت و توسعه به لحاظ سمليك از اهميت زيادى برخوردار بود (Morelli and

110: Pischedda, 2014). موقعیت بسته‌ی جغرافیایی کردستان عراق موجب شده است تا در زمینه صدور انرژی، به کشورهای ایران و ترکیه وابسته باشد. علائق اقتصادی و استراتژیک این اقلیم در زمینه انرژی به سمت انتقال و مبادله با ترکیه بوده است. اقلیم کردستان در تلاش است تا مسیر کسب درآمد و صادرات را به وسیله ترکیه با ضربه زدن به خطوط انتقال ترکیه-عراق به انحصار خود درآورد. در این زمینه، خطوط لوله‌ی کردستان به ترکیه با دورزدن خط لوله بغداد-جیحان برای نخستین بار دسترسی مستقیم کردها را به بازارهای بین‌المللی فراهم کرده است (Tol, 2014: 2).

رابطه اقلیم کردستان عراق با اسرائیل نیز به طور معناداری مثبت ارزیابی می‌شود. پس از سرکوب شورش کردها در ۱۹۹۱ توسط صدام، کردهای اسرائیل که جمعیتشان ده هزار نفر تخمین زده شد، سازمان کمک به کردهای عراق را ایجاد کردند. آنها همچنین تظاهراتی در مقابل اسحاق شامیر، نخست‌وزیر سابق اسرائیل انجام داده و از دولت آمریکا تقاضا کردند به کردهای عراق کمک کند. اندکی پس از آن، باشگاه دوستی کردستان-اسرائیل در اورشلیم با هدف ترویج روابط میان اسرائیل، یهودیان، و کردهای جهان شکل گرفت (Zaken, 2007: 375). پس از فروپاشی صدام در سال ۲۰۰۳ و تأسیس حکومت خودمختار کردستان، روابط میان آنها تقویت شد. دلیل این موضوع، عدم مخالفت دولت عراق با دولت اسرائیل بود. به طوری که در سال ۲۰۰۶، مسعود بارزانی در یک اظهار نظر در کویت بیان کرد «ایجاد روابط میان کردستان و اسرائیل در شرایطی که بسیاری از کشورهای عربی با دولت یهودی رابطه دارند، جرم نیست» در مقابل، بنیامین نتانیاهو - نخست‌وزیر اسرائیل - در یک نطق سیاسی در سال ۲۰۱۴، از ایجاد یک دولت مستقل در کردستان حمایت کرد. او گفت «کردها مردمانی معتدل و متعهد از لحاظ سیاسی بوده و مستحق استقلال سیاسی هستند» (Wikipedia, 2015). به طور کلی دلایل اهمیت کردستان برای اسرائیل را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد:

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ ... / ۴۷

- تحت فشار قرار دادن ایران و ترکیه (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۳۶۴).
- انجام عملیات اطلاعاتی در منطقه از طریق کردستان (به ویژه در مناطق مرزی ایران، ترکیه و سوریه).
- پر کردن خلاء متحد راهبردی در منطقه‌ی خاورمیانه.
- تلاش برای قدرت‌یابی عناصر سکولار و گروه‌های که دارای مواضع معتدل نسبت به اسرائیل هستند در عراق.
- تضعیف جبهه ضد صهیونیستی در منطقه.
- استفاده از کردستان به منظور مشروعیت‌بخشی به تشکیل دولت در فلسطین اشغالی (با توجه اینکه هر دوی آنها، تجارب مشترکی در زمینه تلاش برای دولت‌سازی دارند و نیز جزء اقلیت‌هایی هستند که در طول تاریخ از دولت محروم بوده و از آن نگاه خود مورد ظلم واقع شده‌اند).
- پیدا کردن شریک مناسب تجاری در زمینه‌ی منابع انرژی (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۳).

ایالات متحده آمریکا نیز همواره یکی از کنشگران فرامنطقه‌ای در عراق محسوب می‌شود. به طوری که، کردستان عراق کاملاً نسبت به نقش کشور آمریکا در این اقلیم و تأثیر این کشور در استقلال احتمالی آگاه است. بدین‌سان، در تلاش است تا رویکرد آن را نسبت به اقلیم تغییر دهد. علی‌رغم، موقعیت ضعیف‌تر کردستان در مقایسه با ترکیه و دولت مرکزی عراق، لابی کردستان به شدت در آمریکا فعال است. در این زمینه، قباد طالبانی - نماینده سابق کردستان عراق در آمریکا - در ایجاد تصویرسازی مثبت از کردها و نشان دادن حسن‌نیت آنها تا حدودی موفق عمل کرده است (92: 2012). (Gunter). نقش آمریکا در تحولات کردستان عراق بسیار تأثیرگذار تلقی می‌شود. چه اینکه به‌واسطه حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ و ایجاد منطقه‌ی ممنوعه در شمال عراق، کردها توانستند حکومت

خودمختار تأسیس کنند. همچنین، در سال ۲۰۰۳، پس از اشغال عراق توسط آمریکا، خودمختاری کردها تقویت شد. کردها در این جنگ به پشتیبانی از آمریکا پرداخته و به متحدین اطلاعاتی آمریکا تبدیل شدند. در مقابل آمریکا نیز در تدوین قانون اساسی عراق از مواضع کردها حمایت کرد (شیخ‌نشین و قدیمی، ۱۳۹۱: ۵۸).

با توجه به مطالب فوق، عدم حضور موثر ایران در این منطقه زمینه را برای حضور کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیش از پیش فراهم می‌کند. بازار کردستان عراق تا حدود زیادی در دست کشور ترکیه است. دولت آمریکا دارای پایگاه نظامی در کردستان عراق است و اسرائیل نیز به شیوه‌های مختلف درصدد نفوذ در این منطقه راهبردی را دارد.

۲-۵. فرصت‌ها: همان‌طور که بیان شد عدم حضور فعال ایران در مناسبات اقلیم تأثیر منفی بر آینده منافع ایران بر جای خواهد گذاشت. به منظور دستیابی به هدف حفظ تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از استقلال کردستان نگاه امنیتی صرف نه تنها کافی نیست بلکه در بلند مدت آثار زیان‌باری بر منافع ملی ایران خواهد داشت از این‌رو، بکارگیری دیپلماسی منطقی از سوی ایران در مناسبات اقلیم کردستان امری ضروری است. از این‌رو، حضور فعال ایران در کردستان عراق ضمن برطرف‌سازی مشکلات ناشی از چالش‌های اشاره شده، بسترساز فرصت‌های زیادی برای جمهوری اسلامی خواهد بود که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲-۵. متغیر سیاسی: تقویت محور شیعه و کرد در عراق: گفتمان رهبران کرد، همواره توجه به این اقلیم و تأثیرگذاری در دولت فدرال عراق بوده است که بدین منظور توافقی صورت گرفت. پس از تشکیل دولت دوم نوری مالکی در سال ۲۰۱۱ که کردها آن را نتیجه سازش خود در مذاکرات می‌دانستند، عدم انعطاف‌پذیری نخست‌وزیر در اجرای توافق و تأمین حقوق اقلیم کردستان به عرصه‌ای برای افزایش اختلافات و تیره شدن روابط میان آنها تعین یافت. بر اساس توافق، نخست‌وزیر می‌بایست در واگذاری وزارتخانه‌های

امنیتی کلیدی دولت جهت تأمین خواسته های اهل سنت عرب و کرد به منظور تقسیم قدرت تلاش نماید. با این وجود، به جای اجرای توافقنامه، نخست وزیر به تحکیم موقعیت خود و تقویت جایگاه خود در شورای نمایندگان گام برداشت. از این رو، مخالفان مالکی به رهبری مسعود بارزانی و جلال طالبانی در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲، اقداماتی را در جهت رای عدم اعتماد به نخست وزیر سازمان دادند که با موفقیت همراه نشد (Stansfield, 2013: 271-272). همچنین، اقدامات نوری‌المالکی در دوران نخست‌وزیری و تنش میان کردها و عرب‌های سنی، در ایجاد پیوند میان آنها و مخالفت با دولت مسلط شیعی موثر بوده است. از این رو، تلاش برای تقویت محور شیعه و کرد در عراق یکی از اقداماتی است که می‌تواند از سوی ایران پیگیری شود.

نظارت بر جریان‌های سیاسی حاکم بر کردستان عراق

پس از شکل‌گیری اقلیم کردستان دو حزب دمکرات و میهنی بر جریان قدرت در کردستان مسلط بودند (هرچند همیشه این دیدگاه وجود داشت که روابط خارجی اقلیم در کنترل حزب دمکرات است) اما پس از شکل‌گیری حزب گوران حزب میهنی تضعیف شد، به گونه‌ای در انتخابات سوم و چهارم پارلمانی در کردستان تعداد کمی از اعضای این حزب به پارلمان راه یافتند. بیماری جلال طالبانی که برای مداوا به آلمان رفته بود، در روند تضعیف قدرت حزب میهنی موثر بوده است. در نتیجه حزب دمکرات توانست بر جریان قدرت در اقلیم مسلط شود. به دلیل نزدیکی اربیل و دهوک به ترکیه (دو شهری که تحت نفوذ حزب دمکرات هستند)، نگاه این حزب در میان همسایگان بیشتر به ترکیه است. در حالی که نگاه حزب میهنی بیشتر به طرف ایران می‌باشد. با توجه به نزدیکی سلیمانیه به ایران تقویت جنبش سلیمانیه محور بیشتر در راستای منافع ایران است (Hevian, 2013: 98).

بالا رفتن حجم تجارت خارجی با کردستان عراق

در حال حاضر حجم مبادلات تجاری میان ایران و کردستان عراق در حدود ۴ میلیارد دلار است در حالی که حجم تجارت خارجی ترکیه با این اقلیم ۱۳ میلیارد دلار است (Mills, 2013:59-60). در حال حاضر شرکت‌های کمتری از ایران به نسبت ترکیه در کردستان عراق حضور دارند. بر خلاف روابط اقتصادی میان اقلیم و ترکیه پیوندهای اقتصادی محکمی میان ایران و اقلیم کردستان وجود ندارد. از جمله موارد موثر در بالا رفتن حجم میان ایران و اقلیم کردستان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش پایانه‌های مرزی. اقلیم کردستان در حال حاضر، ۳ پایانه مرزی اصلی به نام‌های باشماق، پرویزخان و حاج عمران با ایران دارد اما به گفت کارشناسان، افزایش حجم مبادلات تجاری ایران با کردستان عراق مستلزم گشایش پایانه‌های مرزی بیشتر است.

- بررسی عملکرد و اثر بخشی تفاهم نامه‌های منعقد شده بین ایران و اقلیم کردستان در زمینه توسعه تجارت کشور و اصلاح آنها در جهت تامین منافع اقتصادی و تجاری کشور.

- تقویت حوزه دیپلماسی خارجی در زمینه توسعه روابط اقتصادی با کردستان عراق و رفع موانع سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی.

- افزایش تعداد کالاهای مشمول تجارت ترجیحی و تخفیفات تعرفه‌ای در مبادله با کردستان عراق.

به نظر می‌رسد، رابطه دولت منطقه ای کردستان با ایران از پتانسیل و ظرفیت رو به رشدی برخوردار باشد. با وجود تفاوت‌های ایدئولوژیکی، ایران تاکنون از خریداران اصلی نفت و محصولات نفتی دولت منطقه ای کردستان بوده است و دو دولت در این زمینه، یک قرارداد انرژی طولانی مدت در آوریل ۲۰۱۴ به امضا رساندند (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2015: 30). براساس این توافقنامه که بین تهران - اربیل

امضا شده است، ايران در ازاي واردات نفت از كردستان عراق، برخى از فرآورده هاى نفتى و گاز طبيعى به اين اقليم صادر مى كند (خبرگزاري مهر، ۱۳۹۳).

حضور در بخش هاى زيرساختى كردستان عراق

بعد از شكل گيرى حكومت اقليم به دليل عدم وجود زيرساخت هاى مناسب در بخش هاى مختلف زمينه براى حضور فعالان اقتصادى ايران در اقليم فراهم شد اما به دلایل مختلف ايران تا كنون نتوانسته از فرصت هاى ايجاد شده در اين بخش به نحو مطلوب استفاده كند. از جمله اين بخش ها مى توان به ساختمان، انرژى، پيمانكارى، بازرگانى، لجستيكي، حمل و نقل، گردشگرى، بازاریابی و آگهی های تجاری، مواد غذایی، مراکز خرید و فروش، خدمات مشاوره ای و مهندسی، بانکداری، لیزینگ خودرو و بیمه فعالیت اشاره کرد (عیسی، ۱۳۹۰).

۵-۲-۳. متغیر فرهنگى

استفاده از ظرفیت اشتراكات فرهنگى میان ایرانی ها و کردها؛ به رغم اشتراكات گسترده اى فرهنگى كه میان ایرانی ها و کردها وجود دارد اما این سطح روابط در سطح خوبى نبوده و ظرفیت هاى خالى بسیارى وجود دارد. زبان هاى كُردى بخشى از زبان هاى ایرانی است كه توسط گویشوران كُرد مورد استفاده قرار مى گیرد. کردها همواره خود را به مادها منتسب مى کنند و مادها اولین ایرانیانى بودند كه سلسله اى پادشاهى در این سرزمین بنا نهادند. بنا به قول بسیارى از پژوهشگران تاريخى کردها از اصیل ترین اقوام آریایی و ایرانی هستند. در این زمینه دولت باید تلاش كند این ذهنیت تقویت شود كه کردها جزئى از فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. نکته مهم این است كه کردها خود را به لحاظ فرهنگى كاملاً متمایز از ترك ها و اعراب مى دانند (Smith, 2013: 3). يكي از عواملی كه موجب تشدید شكاف میان اقليم و دولت مركزى عراق شده این موضوع است كه کردهاى عراقى هیچ گونه احساس تعلقى نسبت به اعراب ندارند. از این رو، برگزاري همایش ها، سمینارها و

نمایشگاه‌هایی پیرامون مباحث فرهنگی یکی کارهایی است که می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

۵-۲-۴. متغیر بین‌المللی

همکاری با کردستان عراق در مبارزه با گروه تروریستی داعش

از جمله موضوعاتی که وابستگی متقابلی میان ایران و اقلیم کردستان عراق ایجاد کرده است، وجود گروه تروریستی داعش در شمال عراق محسوب می‌شود. موضوعی که ایران را با معمای امنیت مواجه کرده است. به عبارتی دیگر، همجواری جغرافیایی ایران با کشوری که مرزهای خشکی و آبی آن حدوداً ۱۶۰۰ کیلومتر برآورد شده است، نشان‌دهنده عمق استراتژیک این موضوع است. بر این اساس، شرایط نابسامان امنیتی در عراق می‌تواند بر وضعیت امنیت ایران هم تأثیرات منفی بگذارد.

پیشرفت سریع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در تابستان سال ۲۰۱۴ و اهداف توسعه طلبانه اعلام شده توسط این گروه، منطقه خلیج فارس و کل جهان را با تهدید امنیتی قریب الوقوع مواجه کرده است. چه اینکه، مناطق بزرگی از خاک عراق و سوریه در حال حاضر تحت کنترل داعش است که این موضوع باعث ایجاد یک ائتلاف جهانی برای مبارزه با آن شده است (Cîrlig, 2015:1). در این راستا، گروه تروریستی داعش، یکی از بزرگترین شهرهای عراق یعنی موصل را به عنوان پایتخت خود اعلام کرد و اهداف توسعه طلبانه خود را به‌ویژه در زمینه های قومی و مذهبی که یک تهدید بزرگ برای صلح و امنیت منطقه محسوب می‌شود، دنبال می‌کند (Hawrami, 2015:65).

متکی بودن داعش بر منابع مالی گسترده ای که از جمله آنها می‌توان به کنترل میدان های نفت و پالایشگاه در عراق و سوریه، تسلط بر بانک‌های تحت اشغال، قاچاق آثار باستانی، باج از طریق گروگان گیری و همچنین دریافت کمک های مالی از برخی کشورهای منطقه اشاره کرد (Cîrlig, 2015:2 and Hawrami, 2015:66) به جولانگاهی جهت حضور مداوم در عراق تبدیل شده است. تهدیدی که به نظر می‌رسد، با اتحاد نیروها

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛.../ ۵۳

و مردم عراق قابل دفع باشد. با توجه به تحولات برآمده از روند انتخاباتی این کشور که به روی کار آمدن حیدر العبادی، نخست‌وزیر جدید عراق منجر شد، روند مبارزه با داعش تسهیل گردید. تا آنجا که توافقی میان بغداد و حکومت اقلیم کردستان در زمینه صادرات انرژی و تقسیم درآمد حاصل از آن، صورت گرفت. موضوعی که به نظر می‌رسید، باعث افزایش همکاری میان نیروهای پیشمرگه و نیروهای امنیتی عراق به مثابه اولین گام به سوی یک جبهه مشترک علیه داعش باشد (Cîrlig, 2015:3). همکاری‌هایی که می‌تواند مؤلفه و موازنه جدیدی در استقرار ارتش علیه داعش ایجاد کند.

بر این اساس، با تحولاتی که در حوزه میدانی عراق مبنی بر تغییر حرکت و رسیدن نیروهای داعش از بغداد، با توجه به حضور نیروهای امنیتی عراق و شبه نظامیان شیعه - که مورد حمایت ایران بودند - به سمت مراکز شمالی به وقوع پیوست (Cîrlig, 2015:3).

پیرو پیشروی در عراق، گروه تروریستی داعش حمله گسترده‌ای را در ماه ژوئن راه‌اندازی کردند که باعث شد تا نیروهای کردی از منطقه راهبردی اربیل عقب نشینی کنند (Al-Akhbar, 2014). پس از پیشروی‌های نیروهای داعش به سمت مرزهای اقلیم، مقامات آن از دولت‌های خارجی تقاضای کمک کردند که جمهوری اسلامی ایران، به واسطه تأمین امنیت کشورهای پیرامون خود به تقاضای اقلیم جواب مثبت داد. در این برهه از زمان، جمهوری اسلامی ایران برای حفظ تمامیت ارضی عراق و در حمایت از منطقه کردستان عراق، پیشنهاد فوری خود را در جهت کمک‌های انسان دوستانه، نظامی و حمایت‌های اطلاعاتی ابراز کرده بود. در حالی که جهان غرب، هرگونه کمک را منوط به ایجاد شرایطی در سطح دولت عراق می‌دانستند (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2015: 30). بنا بر اظهارات مسعود بارزانی - رئیس منطقه کردستان عراق - ایران اولین کشوری بود که به ارسال تجهیزات به کردها اقدام کرد (Esfandiary and Tabatabai, 2015: 7). بر این اساس، وی طی یک بیانیه‌ای در کنفرانس نفت و گاز در لندن ابراز

داشت: «ما همچنان به تقویت روابط خود با همسایه شرقی مان، ایران ادامه خواهیم داد»-Al-Akhbar, 2014). احمد سعدی، مسئول روابط خارجی اتحادیه میهنی نیز بیان کرد: «با وارد کردن ایران به صحنه رسمی معادلات سیاسی، بسیاری از مشکلات منطقه‌ای با توجه به ظرفیت‌های ایران حل و فصل خواهد شد» (Islamic republic news agency, 2015).
 با توجه به مطالب فوق، مشارکت فعال ایران موجب می‌شود تا فرصت‌های ایران در کردستان عراق بسیار افزایش یابد. اتخاذ رویکردهای فوق از این جهت مهم است که تا حدود زیادی خواست جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب راهبرد کلی نسبت به کشور عراق -حفظ تمامیت ارضی- تأمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

منطقه کردستان عراق، پس از دوره صدام در عرصه سیاست داخلی و خارجی کشور عراق از نفوذ گسترده‌ای برخوردار گردید. تا آنجا که با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ژئوپولیتیکی توانسته است در عصر وابستگی متقابل، در بردارنده فرصت‌ها و چالش‌هایی برای بسیاری از کشورها محسوب گردد. در این رابطه، می‌توان برای جمهوری اسلامی ایران وابستگی‌های متقابلی از حیث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی با اقلیم کردستان عراق متصور گشت. موضوعی که در این پژوهش، نسبت به آن اهتمام شد و به عرصه‌ای برای شناسایی چالش‌های و پتانسیل‌های فرصت‌زا در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تعین یافت.

بی‌تردید یکی از آرمان‌های اصلی کردستان عراق دستیابی به استقلال سیاسی است. اما این امر پیوندی گسست‌ناپذیر با نوع رویکرد کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دارد. رویکردی که می‌تواند به چالشی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی گردد. با مقایسه رویکرد میان ایران و سایر کنشگران دخیل در تحولات اقلیم، می‌توان گفت

جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی بر اساس نوع رابطه با دولت مرکزی خواستار حفظ تمامیت ارضی است. تا آنجا که نوع رویکرد امنیتی ایران به مسئله کردستان موجب شده است تا از ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تا حدود زیادی غافل باشد و متعاقباً چالش‌هایی‌های فراوانی را در پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با استراتژی‌ها و اهداف مختلفی در صدد نفوذ در اقلیم کردستان عراق هستند. اسرائیل به دلایل مختلف از استقلال کردستان عراق حمایت می‌کند. همچنین، نوع نگاه دو بازیگر اصلی در این موضوع، یعنی ترکیه و آمریکا عمل‌گرایانه است. ترکیه به‌ویژه از سال ۲۰۰۸ به بعد بر سطح تعامل با کردستان عراق افزوده است، به گونه‌ای که در حال حاضر چیزی حدود نیمی از شرکت‌های فعال در کردستان عراق را تشکیل می‌دهند. در رابطه با آمریکا باید گفت در حال حاضر این کشور با استقلال و تجزیه‌طلبی در عراق مخالف است و اولین کشوری بود که نسبت به اعلام استقلال کردستان واکنش منفی نشان داده (این موضوع حتی می‌تواند زمینه همکاری میان ایران و آمریکا را در موضوع کردستان عراق فراهم کند) و در تلاش است تا به نوعی میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان آشتی ایجاد کند. اما ممکن است رویکرد آمریکا در قبال کردستان عراق در سال‌های آتی تغییر کند. به طور مثال آمریکا به منظور جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه و اعمال فشار بر ایران از موضوع کردستان به عنوان ابزاری علیه ایران استفاده کند.

از این منظر، سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران باید در عصر وابستگی متقابل به سمت کشورهایی که در مجاورت جغرافیایی ایران قرار دارند، دو چندان شود تا زمینه افزون‌گرایی قدرت ملی و تأمین منافع ملی فراهم آید. در این راستا، اقلیم کردستان عراق، از ظرفیت‌های زیادی جهت پیشبرد منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. تا آنجا که تلاش برای تقویت محور شیعه و کرد در عراق و حل اختلافات میان آنها در راستای وحدت مرکزی، نظارت بر جریان‌ات سیاسی حاکم بر

کردستان عراق با توجه به گرایش‌های حاکم در دو حزب میهنی و دموکرات، بالا بردن حجم تجارت خارجی با کردستان عراق با تعبیه امکانات و بستری‌های لازم در زمینه‌های اقتصادی، تلاش جهت حضور فعال نیروی کار در کردستان عراق، استفاده از ظرفیت اشتراکات فرهنگی میان ایرانی‌ها و کردها و در نهایت همکاری با کردستان عراق در زمینه مبارزه با گروه تروریستی داعش که در حال حاضر به نظر می‌رسد نقطه تلاقی مناسبات حاکم در روند همکاری‌های ایران و کردستان عراق باشد، از فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

منابع

اتاق مشترک بازرگانی و صنایع و معادن ایران و عراق. (۱۳۹۱). *حدود نیمی از شرکت‌های*

خارجی در شمال عراق سرمایه‌گذاران ترک هستند، قابل دسترس در:

<http://ir-iqcc.com/fa/news/iran-iraq-news/1554-1391-10-23-07-13-34.html>

اتاق مشترک بازرگانی و صنایع و معادن ایران و عراق. (۱۳۹۴). *درخواست برای حضور*

شرکت‌های بزرگ ایرانی در اقلیم کردستان عراق، قابل دسترس در:

<http://ir-iqcc.com/fa/news/iran-iraq-news/2908-1394-02-15-12-01-20.html>

ایلخانی‌پور، علی و سمیه بهرامی. (۱۳۹۲). *تأثیر عامل انرژی بر روابط روسیه و اتحادیه*

اروپا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۸۱.

بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران:*

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوژمهرانی، حسن و مهدی پوراسلامی. (۱۳۹۲). *تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان*

عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران، مطالعات جهان اسلام، سال اول، ش ۴.

جمالی، حسن. (۱۳۸۰). *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، قم، مرکز تحقیقات اسلامی قم.*

حافظنیا و دیگران. (۱۳۸۹). *تحلیل تطبیقی خودگردانی کردستان عراق با الگوی*

خودمختاری و فدرالیسم، مدرس علوم انسانی - برنامه ریزی و آمایش فضا، ش ۲.

خالدی، حسین و حمیدرضا محمدی. (۱۳۹۱). *ژئوپلتیک کردستان عراق، تهران: نشر*

انتخاب.

خبرگزاری مهر. (۱۳۹۳). *جزئیات توافق بزرگ نفتی ایران-کردستان عراق اعلام شد، قابل*

دسترس در:

<http://www.mehrnews.com/news/2280526>

راست، بروس و هاروی استار. (۱۳۸۱). *سیاست جهانی؛ محدودیت‌ها و فرصت‌های*

انتخاب، ترجمه علی امید، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

رضوی، سلمان. (۱۳۸۷). فرصت‌های سیاسی عراق جدید برای اسرائیل، عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.

شیخ عطار، علیرضا. (۱۳۸۲). کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.

شیخ‌نشین، قربانعلی و اکرم قدیمی. (۱۳۹۱). بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، ش. ۶۲.

عبداله‌خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عیسی، عزت. (۱۳۹۰). سرمایه‌گذاری خارجی در کردستان، فصلنامه گفتگو، ش ۵۸.

قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: نشر میزان.

قوام، عبدالعلی و مهدی اعلائی. (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک هسته‌ای ایران در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۶.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

مک داول، دیوید. (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید.

موسوی، سید حسین. (۱۳۸۶). الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع،

فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، ش ۴.

Al-Akhbar (2014), Iraq's Kurdistan seeks to strengthen relationship with Iran, Available: <http://english.al-akhbar.com/node/22923>

Andreas, Jan-Justus (2014), Iraqi - Kurdistan: Capital of Oil and Gas Exploration – What Does it Mean for Europe?, Institute for Strategic Dialogue, available: http://www.kas.de/wf/doc/kas_38003-1522-2-30.pdf?14060613.

Baldwin, David a(1980), Interdependence and power: a conceptual analysis, International Organization, the Board of Regents of the University of Wisconsin System.

Buzan, Barry and Wæver, Ole(2003), Regions and Powers: The Structure of International Security, Cambridge University Press

- Charountaki, Marianna (201۲), Turkish Foreign Policy and the Kurdistan Regional Government Perceptions, Volume XVII, N 4.
- Cîrlig, Carmen-Cristina(2015), The international coalition to counter ISIL/Da'esh (the 'Islamic State), European Parliamentary Research Service.
- Cordeesman, Anthony H. and Sam Khazai (2014), Iraq in Crisis, Whashington, DC, Center for Strategic Institutional studies.
- Esfandiary, Dina and Ariana(2015), Iran's ISIS policy, International Affairs, available:http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_publication_docs/INTA91_1_01_Esfandiary_Tabatabai.pdf
- Gunter, Michael M. (2012), The KDP-PUK Conflict in Northern Iraq, Middle East Journal vol 50, no. 2.
- Hawrami, Hemin(2015), The Iraqi Kurdistan Regions Role in Defeating Isl, Turkish policy Quarterly, Volume 14, Number 1.
- House of Commons Foreign Affairs Committee(2015), UK Government policy on the Kurdistan Region of Iraq, available:
<http://www.publications.parliament.uk/pa/cm201415/cmselect/cmfa/564/564.pdf>
- invest in group (2013), Overview: Kurdistan Region Economy, available:
<http://www.investingroup.org/publications/kurdistan/overview/economy/>
- Islamic republic news agency (2015), Outcome of nuclear talks important for Iraqi kurdistan, Iraqi official, available:<http://www.irna.ir/en/News/81672316/>
- Keohane, Robert O and Nye, Joseph S(2012), Power and Interdependence Revisited, The MIT Press.
- Mills, Robin M. (2013), Northern Iraq's Oil Chessboard: Energy, Politics and Power, Insight Turkey, Vol.15, No.1.
- Morelli, Massimo and Costantino Pischedd (2014) The Turkey-KRG Energy Partnership: Assessing Its Implications, Middle East Policy, Vol. XXI, No. 1
- Sariolghalam, mahmoud(2003), understanding Iran: Getting past stereotypes and Mythology, The Washington Quarterly, Vol 3. No 4.
- Stansfield, Gareth (2013), The Unravelling of the Post-First World War State System? The Kurdistan Region of Iraq and the Transformation of the Middle East, *International Affairs*, vol. 89, no. 2.
- Tol, Gönül (2014), Untangling the Turkey-KRG Energy Partnership: Looking Beyond Economic Drivers, Istanbul Policy Center.

Wikipedia (2015), Iraqi Kurdistan–Israel relations, available:

https://en.wikipedia.org/wiki/Iraqi_Kurdistan%E2%80%93Israel_relations

Zaken, Mordech (2007), Jewish subjects and their tribal chieftains in Kurdistan : a study in survival, Leiden ; Boston : Brill.

Zulal, Shwan (2012), Survival Strategies and Diplomatic Tools: The Kurdistan Region's, Foreign Policy Outlook, Insight Turkey Vol. 14, No. 3.